

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز
۲۰۰۹/۹/۲

نصایح پدراڼه جورج مک گاوان به بارک حسین اوباما به ارتباط افغانستان

جورج مک گاوان یک دموکرات سالخورده و کانديد رياست جمهوري امريکا در سال ۱۹۷۲، طی يك نامه سرکشاده که در اخبار واشنگتن پوسټ، مورخه ۲۵ جنوري به نشر رسيد، به اوباما توصیه نموده است که از ماجر اجوئی در افغانستان در بردارد و امريکا را از غضب مردم افغان دور نگهدارد. نصایح مک گاوان ناشی از ترحم انسانی وی نیست، بلکه زاده احساس وحشتی است که انتقام افغان او را به این ابتکار وادار ساخته است.

مک گاوان خود يك مورخ است و با مطالعه تاريخ افغانستان شايد درك کرده باشد که صرف نظر از يك تعداد خائنين که در هر کشور وجود دارد، مردم افغان تن به بردگی نخواهند داد و در مقابل زورگويان و تجاوزگران دليرانه خواهند استاد. عنوان نامه مک گاوان چنین است: **"راهت را در افغانستان گم نکن، آقای رئيس جمهور."** درین جا بعضی نکات این نامه را که نصایح نوع امريکائی را در خود دارد، خدمت هموطنان تقدیم میکنم.

مک گاوان می نویسد: آقای رئيس جمهور، ممکن است يك پیشنهاد به شما تقدیم نمایم؟ لطفاً سعی نکن که افغانستان را با قوای نظامی امريکا درست نمائی. کشيدن عساکر امريکا از عراق و فرستادن آنها به افغانستان شبیه به ضرب المثل از "کرائی برآمدن و در آتش افتادن" است. اینکه امريکا بزرگترین قدرت جهانی است، حقيقت دارد. لاکن امپراتوری برتانیه هم يك قرن قبل در چنین موقعی بود و میخواست جنگ سالاران و قبایل این کشور را زیر سیطره خود در آورد که بالاخره بعد از تلفات درد آوری ازین کشور اخراج گردید. شوروی همچنان يك قدرت معظم دنیائی بود و قتيکه يك صد هزار عسکر خود را عرض اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹ به این کشور فرستاد. بالاخره لنگ و لاش و شکست خورده به خانه خود برگشتند که ده سال بعد زمینه سقوط آن کشور را مهیا ساخت.

من معتقد شده ام که قدرت نظامی راه حل عرض مبارزه با تروريزم نیست. نفرت از پالیسی ما در شرق میانه، اشغال عراق، پشتیبانی از رژیم های سرکوب کننده مانند مصر و عربستان سعودی و حمایت از اسرائيل تروريزم را بیشر علیه ما تقویت میکند. راه حل بهتر این خواهد بود که ما حضور نظامی خود را در سر تاسر این قوس بحران خاتمه دهیم. در سال ۲۰۰۳، اداره بوش به عراق حمله نمود تا تروريزم را تقلیل بخشد. شش سال بعد، در آنجا بیشتر تروريزم و شرارت دیده میشود، نه کمتر. در افغانستان هم عین پیامد اتفاق خواهد افتاد. حمله بر عراق و اشغال آنکشور نه تنها عراقی ها را که اعضای فامیل و خانه های خود را از دست داده اند، به قهر و غضب آورد، بلکه همه جهان اسلام را خشمگین ساخته است. این حالت موانع جدی بر سر راه رهبری سیاسی ما درین قسمت عمده ای از جهان خلق نموده است.

آقای رئیس جمهور، من برای اداره شما دوری از جنگ را برای مدت پنج سال پیشنهاد میکنم مگر اینکه کشور ما مورد تهدید جدی قرار گیرد.

از خلال روحیه نامه مک گاورن بر می آید که يك تعداد از سیاست مداران امریکا هم به خطرات و نتایج مصیبت بار جنگ در افغانستان پی برده و واقف گشته اند که بالاخره ملت افغان چه بلائی بر سر متجاوزین خواهد آورد. با آگاهی از تاریخ ضد استعماری مردم افغان، مک گاورن نمیخواهد که ابهت امریکا مانند شوروی پامال شود و شکست آن کشور در ویتنام بار دیگر تکرار گردد. همینکه مک گاورن قطع جنگ و بیرون رفتن قوای نظامی امریکا از منطقه را پیشنهاد میکند، خود نماینگر ترس این سیاستمدار سالخورده از افتادن امریکا در باتلاق سیاسی و نظامی افغانستان است که بسلامت برآمدن از آن کار سهلی نخواهد بود .

نامه سرکشاده مک گاورن لرزه بر اندام خائنین به کشور انداخته است. میهن فروشان میدانند که بدون حضور نظامی امریکا، يك روز هم بقا نخواهند کرد و در زیر ضربات دشمن شکن مبارزان راه آزادی خرد و خمیر خواهند شد. سیاف، ربانی، دوستم، کرزی، عبدالله، قانونی، حضرت، نقیب، خلیلی، محقق، گلاب زوی، علومی، فهیم، مسعود و صد ها خفاش و خون آشام دیگر بدون حضور نظامی امریکا جائی در سرزمین دلاوران و شیر مردان نخواهند داشت. امید میرود انقیاد طلبان، مدافعين استعمار و حامیان تجاوز و غلامان جدیدی که برای ایفای نوکری اول عوض کرزی صف آرائی کرده و خود را برای بندگی آماده میسازند، نامه مک گاورن را بدقت از نظر بگذارند.